



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

گروه زبان شناسی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی

موضوع:

محدودیت های نقشی قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی

استاد راهنما:

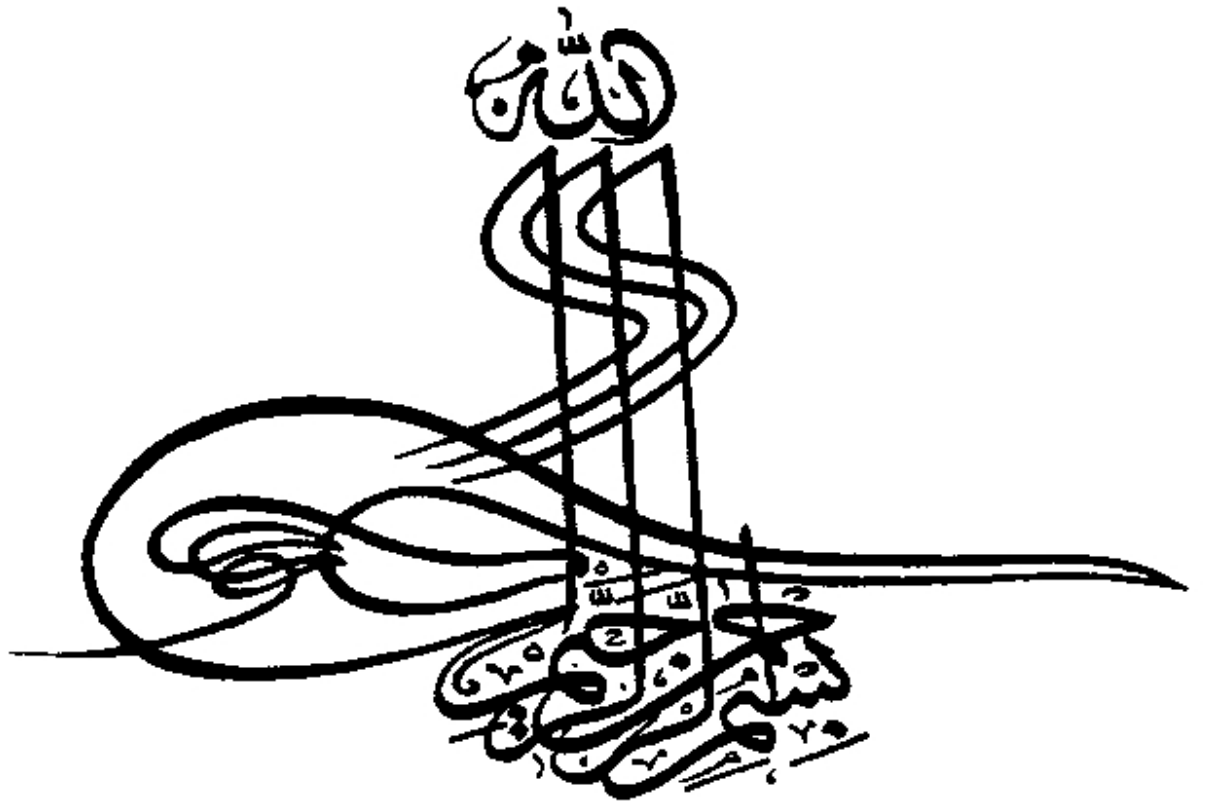
دکتر ارسلان گلفام

استاد مشاور:

دکتر محمد دبیر مقدم

نگارش:

آزاده شمالی



فرم تعهد نامه

اینجانب آزاده شمالی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی به این وسیله اعلام می نمایم که در نگارش پایان نامه خود با عنوان محدودیت های نقشی قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی امانت داری را رعایت نموده و نظرات مطرح شده در این پایان نامه متعلق به من است و در کلیه موارد که به نحوی از انحاء از آراء و نظرات دیگران استفاده کرده ام منبع آن آراء و نظرات را به دقت و به روشنی در هر مورد به صورت جداگانه ذکر کرده ام. چنان چه پس از تسلیم این پایان نامه برای دفاع معلوم شود که بر اساس مطالب فوق خلافی صورت گرفته است نمره فعلی پایان نامه اینجانب منتفی و حق هیچ گونه اعتراضی نخواهم داشت. همچنین چنان چه پس از فراغت از تحصیل اینجانب معلوم شود که در این پایان نامه خلافی صورت گرفته این حق برای دانشگاه محفوظ خواهد بود که اعتبار مدرک تحصیلی اینجانب را باطل اعلام نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: آزاده شمالی

تاریخ: ۸۷/۱۱/۲۴

فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان:	محدودیت های نقشی قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی
نویسنده / محقق:	آزاده شمالی
مترجم:	
استاد راهنما:	استاد مشاور/استاد داور:
جناب آقای دکتر گلغام	جناب آقای دکتر دبیر مقدم / سرکار خانم دکتر مدرسی
نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/>	توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: نیم سال دوم سال ۱۳۸۷
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۱۹۸	گروه آموزشی: زبان شناسی همگانی
کلید واژه ها به زبان فارسی:	قلب نحوی ، وارونگی ، اطلاع برانگیخته، اطلاع نو، زبان شناسی نقش گرا
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:	Scrambling, Inversion ,Evoked information, New information, functional linguistics.

چکیده

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

در این پژوهش با نگاهی نقش گرا به بررسی محدودیت های نقشی حاکم بر قلب نحوی و وارونگی می پردازیم. به عبارت دیگر هدف از این پژوهش توجه به این نکته است که با توجه به محدودیت های نقشی حاکم بر این دو فرایند، آیا باید قائل به وارونگی در زبان فارسی به عنوان فرایندی مستقل بود یا خیر.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:

در این پژوهش محدودیت های نقشی حاکم بر قلب نحوی و وارونگی را با نگاهی نقش گرایانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. از جمله پرسشهای اصلی این پژوهش عبارتند از:

- بسته بندی اطلاعی چه نقشی در حرکت سازه ها در دو فرایند قلب نحوی و وارونگی ایفا می کند؟
از جمله فرضیه های اصلی این پژوهش عبارتند از:

- فرایند قلب نحوی در زبان فارسی به جابه جایی آزاد یک عنصر به همراه نشانه ی دستوری خود در جمله گفته می شود. در این فرایند سازه ها هم توانایی پیش آیند شدن و هم پس آیند شدن از جایگاه بی نشان خود را دارند. از اینرو حرکت گروه اضافه به ابتدای جمله نیز نه فرایندی مستقل بلکه نوعی از قلب نحوی محسوب می شود.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گرد آوری و تجزیه و تحلیل

داده ها:

روش تحقیق به شیوه کتابخانه ای است و جامعه مورد تحقیق پژوهش هشت داستان کوتاه از خانم پیرزاد (لیوان دسته دار، آپارتمان، لکه، پرلاشز، طعم گس خرمالو، مثل بهار، ساز دهنی، هسته های آلبالو) است که در هر مورد وارونگی گروه حرف اضافه و قلب نحوی از نظر بسته بندی اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفت.

ت: یافته های تحقیق:

از مجموع ۳۵۰ مورد قلب نحوی وضعیت اطلاعی دو مورد شنونده کهنه-گفتمان نو، ۳۲۴ مورد شنونده کهنه-گفتمان کهنه، ۴۷ مورد شنونده نو-گفتمان نو می باشد. در پیکره مورد بررسی هیچ موردی از قلب نحوی که وضعیت اطلاعی سازه قلب شده آن شنونده نو - گفتمان کهنه باشد مشاهده نشده است. در این پیکره مورد پژوهش عنصری که وضعیت اطلاعی آن شنونده-کهنه، گفتمان-کهنه است بیشترین میزان گرایش برای مقلوب شدن دارد و در مواردی که سازه مقلوب حاوی اطلاع نو می باشد، بیشترین گرایش در مواردی است که موضوع تازه ای وارد گفتمان می شود. اما مواردی هم هست که سازه مقلوب اطلاع کاملاً نو ی را نسبت به دیگر سازه های جمله نشان می دهد. از ۳۸ مورد پیش آیند شدگی گروه حرف اضافه که در این هشت داستان یافت شده است. وضعیت اطلاعی ۳۳ سازه پیش آیند شده شنونده-کهنه، گفتمان-کهنه می باشد. و تنها ۵ مورد از کل پیکره مورد بررسی سازه پیش آیند شده حاوی اطلاع نو می باشد که بر خلاف نظر ماهوتیان و بیرنر (۱۹۹۶) که معتقد بودند در وارونگی اگر سازه پیش آیند شده حاوی اطلاع نو باشد

میزان آشنایی آن با فاعل یکی است در ۵ مورد یافت شده در این پیکره دو مورد سازه پیش آیند شده اطلاع نو تری نسبت به فاعل ارائه می دهند.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

از بررسی نمونه های پیکره ی زبانی پژوهش به آنجا رسیدیم که برخلاف نظر ماهوتیان و بیرنر(۱۹۹۶) نمی توانیم بنا به دلایل صوری و کلامی دو فرایند قلب نحوی و وارونگی را از یکدیگر جدا کنیم.

نتیجه (۱) فرایند قلب نحوی در زبان فارسی به جابه جایی آزاد یک عنصر به همراه نشانه ی دستوری خود در جمله گفته می شود. در این فرایند سازه ها هم توانایی پیش آیند شدن و هم پس آیند شدن از جایگاه بی نشان خود را دارند. از اینرو حرکت گروه اضافه به ابتدای جمله نیز نه فرایندی مستقل بلکه نوعی از قلب نحوی محسوب می شود.

نتیجه (۲) در فرایند قلب نحوی هر نوع وضعیت اطلاعی (برانگیخته، نو) می تواند به جایگاه آغازین یا پایانی جمله منتقل شود. ولی تمایل غالب به مقلوب کردن عنصری است که برای شنونده یا برای کلام کهنه است.

نتیجه (۳) بسامد بسیار کم رخداد وارونگی ۹/۷٪ نسبت به قلب نحوی در پیکره مورد پژوهش

نتیجه (۴) فرایند وارونگی بنا بر تعریفی که ماهوتیان و بیرنر(۱۹۹۶) ارائه می دهند نه یک فرایند مستقل بلکه نوعی فرایند قلب نحوی محسوب می شود چون طبق آمار پیکره مورد پژوهش

محدودیت نقشی حاکم بر هر دو آنها یکی بوده و در هر دو این فرایندها تمایل غالب به حرکت سازه ای دارند که وضعیت اطلاعی آن برای شنونده و یا برای کلام کهنه باشد.

برخی از موضوعاتی که می توانند در ارتباط با قلب نحوی مطرح شوند به قرار زیرند:

- بررسی قلب نحوی در گویش های مختلف ایران

- بررسی جنبه های روان شناختی فرایند قلب نحوی در ارتباط با یادگیری زبان دوم در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

- بررسی جنبه های اجتماعی فرایند قلب نحوی و این که بین این فرایند که متغیر زبانی است با متغیر های غیر زبانی همانند جنس، سن، طبقه اجتماعی و غیره همبستگی و رابطه ی معنی داری وجود دارد یا خیر

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما:

رئیس کتابخانه:

سمت علمی:

نام دانشکده:

به نام خدا

با سپاس

از استاد محترم راهنما، آقای دکتر گلفام که با راهنمایی های ارزنده ی خود، هدایتگر این پژوهش بودند.

از استاد محترم مشاور، آقای دکتر دبیرمقدم که انگیزه ی نگارش این پایان نامه در کلاسهای سودمند ایشان ایجاد شد و با توجه و تذکرات اصلاحی خود مرا در انجام این کار یاری کردند. و استادان محترم خانم دکتر شقاقی و خانم دکتر مدرسی که در تمامی امور تحصیلی یاری رسان بودند و همچنین تمامی استادانم ، که در این مقطع تحصیلی خود را مدیون زحمات همگی آنها می دانم.

از خانمها صادقی ، مسگری و امراللهی و تمامی هم کلاسیه هایم که این دوره دو ساله را به شیرین ترین خاطرات تبدیل کردند.

همچنین از دوستان عزیزم خانمها اردوخانی و عطشانی که در ویرایش این پژوهش یاری رسان بودند و زمان این کار را برایم کوتاه تر کردند.

و از خواهر مهربانم سپیده، که در همه ی مراحل زندگی همراهم است.

با سپاسی دوباره از تمامی این بزرگواران

آزاده شمالی

چکیده:

در این رساله به بررسی محدودیت های نقشی قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی پرداختیم. ماهوتیان و بیرنر (۱۹۹۶) بر این باورند که چون محدودیت های نقشی حاکم بر چینش گروه حرف اضافه- فاعل- فعل در فارسی همانند وارونگی در انگلیسی است پس باید قائل به وارونگی در زبان فارسی شد. ولی در زبان فارسی و زبان های که چینش سازه ها در آنها آزاد است ، فرایند دیگری به نام قلب نحوی داریم که سبب حرکت سازه ها از جایگاه بی نشان خود می شود. این پژوهش نشان می دهد که آنچه که ماهوتیان و بیرنر وارونگی می نامند در واقع نوعی از فرایند قلب نحوی است و محدودیت های نقشی حاکم بر آنها نیز در واقع همان محدودیت های است که بر قلب نحوی اعمال می شود.

کلید واژه ها:

قلب نحوی ، وارونگی ، اطلاع برانگیخته، اطلاع نو، زبان شناسی نقش گرا

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه

- | | | |
|---|-------|---------------------|
| ۱ | ۱-۱ | پیشگفتار |
| ۲ | ۲-۱ | تعریف مفاهیم |
| ۲ | ۱-۲-۱ | قلب نحوی |
| ۳ | ۲-۲-۱ | وارونگی |
| ۴ | ۳-۲-۱ | اطلاع کهنه/اطلاع نو |
| ۵ | ۴-۲-۱ | تاکید / پیش فرض |
| ۶ | ۳-۱ | معرفی پژوهش |
| ۶ | ۴-۱ | سوابق مربوطه |
| ۸ | ۵-۱ | مبانی نظری پژوهش |
| ۹ | ۶-۱ | ساختار پژوهش |

فصل دوم: پیشینه مطالعات

- | | | |
|----|-----|----------------------|
| ۱۰ | ۱-۲ | پیشگفتار |
| ۱۰ | ۲-۲ | محمودف |
| ۱۳ | ۳-۲ | کریمی |
| ۱۸ | ۴-۲ | براونینگ و عزت کریمی |

۲۰	۵-۲ دبیر مقدم
۲۲	۶-۲ راسخ مهند
۲۴	۷-۲ ژیلا محمدی
۲۴	۸-۲ وارونگی
۲۵	۱-۸-۲ ماهوتیان و بیرنر
۲۷	۲-۸-۲ بیرنر و وارد
۳۵	۹-۲ تحلیل و جمع بندی
۳۹	۱۰-۲ معرفی زبان شناسی نقش گرا
۳۹	۱۰-۲-۱ مقدمه
۴۲	۲-۱۰-۲ ویلم متسیوس
۴۳	۳-۱۰-۲ هلیدی
۴۵	۴-۱۰-۲ تالمی گیون
۴۷	۵-۱۰-۲ الن پرینس

فصل سوم: بررسی ساختار اطلاعی جمله

۴۹	۱-۳ ساختار اطلاعی
۵۱	۲-۳ تفاوت میان اطلاعات جمله و معنای جمله
۵۲	۳-۳ اطلاع نو، اطلاع کهنه

- ۵۴ ۴-۳ الن پرینس
- ۵۷ ۱-۴-۳ ابزارهای دستوری نمود نحوی اطلاعات برحسب طبقه بندی اطلاعی پرینس
- ۵۹ ۲-۴-۳ الگوی جدید طبقه بندی اطلاعاتی پرینس (۱۹۹۲)

فصل چهارم: آرائه و تحلیل نمونه ها

- ۶۱ ۱-۴ پیشگفتار
- ۶۱ ۲-۴ معرفی پیکره زبانی پژوهش
- ۶۱ ۱-۲-۴ منابع استفاده شده
- ۶۲ ۲-۲-۴ روش نمونه گیری
- ۶۲ ۳-۴ تفاوت قلب نحوی و وارونگی
- ۶۴ ۴-۴ تحلیل نمونه ها ، نمونه های قلب نحوی
- ۱۶۹ ۵-۴ تحلیل نمونه ها، نمونه های وارونگی
- ۱۸۰ ۶-۴ جمع بندی: آرائه ی آمارهای کلی
- ۱۸۰ ۱-۶-۴ آرائه آمار مربوط به قلب نحوی
- ۱۸۲ ۲-۶-۴ آرائه آمار مربوط به وارونگی

فصل پنجم: نتیجه گیری

- ۱۸۴ ۱-۵ جمع بندی
- ۱۸۹ ۲-۵ نتیجه گیری

۱۹۱

۳-۵ پیشنهاد

ضمایم

۱۹۲

کتابنامه

۱-۱ پیشگفتار

در این پژوهش به بررسی محدودیت های نقشی حاکم بر قلب نحوی و وارونگی می پردازیم. به عبارت دیگر هدف از این پژوهش توجه به این نکته است که آیا وارونگی در زبان فارسی وجود دارد یا باید آن را نمونه ای از فرایند قلب نحوی دانست و این مهم از طریق نشان دادن محدودیت های نقشی که حاکم بر این دو فرایند است محقق می شود.

در مقاله "محدودیت های نقشی وارونگی در انگلیسی و فارسی" ماهوتیان و بیرنر (۱۹۹۶) با الهام از بیرنر (۱۹۹۴) به تبیین نقشی فرایند وارونگی می پردازند و بر این باورند که اگر چه چینش کلمات در انگلیسی و فارسی متفاوت است ولی بنا به دلایلی مانند اینکه هردو زبان ساختی را پیش آیند می کنند که از نظر گفتمانی کهنه محسوب می شود و اینکه در هر دو زبان وارونگی ترتیب کلمات را تغییر می دهد قائل به وارونگی در زبان فارسی می شوند. در زبان فارسی و زبانهایی که در آنها چینش سازه ازاد است، ما به فرایند دیگری به نام قلب نحوی بر می خوریم. قلب نحوی نیز مانند وارونگی با انکه ماهیتا پدیده ای نحوی است که سازه های جمله را جا به جا می کند اما ریشه در عوامل کلامی و معنایی دارد. حال این مسئله مطرح است که آیا وارونگی را باید پدیده ای جدا از قلب نحوی دانست؟ برای درک این موضوع و با توجه به این نکته که مفاهیم نحوی و دلایل حرکت های نحوی را بدون بررسی ویژگی های کلامی آنها نمی توان به توصیف و تبیینی قابل قبول منتهی شود در این پژوهش هشت داستان کوتاه از خانم پیرزاد (لیوان دسته دار، آپارتمان، لکه، پرلاشز، طعم گس خرمالو، مثل بهار، ساز دهنی، هسته های آلبالو) مورد بررسی قرار گرفته و هر مورد وارونگی گروه حرف اضافه و قلب

نحوی که یافت شد از نظر بسته بندی اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفت . مشخصاً اینکه آیا این اطلاعات قبلاً در گفتمان آمده است(پرینس.۱۹۹۲.گفتمان -کهنه) یا اینکه فرض براین است که جزیی از دانش پیش زمینه ای شنونده است(پرینس.۱۹۹۲.شنونده-کهنه) و یا آنکه برای بار اول در گفتمان مطرح شده است(پرینس.۱۹۹۲.گفتمان-نو) و در انتها این نکته که بسته بندی اطلاعاتی چه نقشی در حرکت سازه ها ایفا می کند .

۱-۲ تعاریف مفاهیم و واژه‌های اختصاصی طرح:

۱-۲-۱ قلب نحوی^۱

راس اولین کسی است که در رساله ی دکتری خود (۱۹۶۷) از اصطلاح قلب نحوی در مفهوم "گشتار قلب نحوی" استفاده کرده است. دبیر مقدم (۱۳۷۶) قلب نحوی را برای نخستین بار در فارسی بکار برده است. قلب نحوی به ویژگی برخی زبانها اشاره دارد که دارای آرایش واژگانی آزاد هستند. در این زبانها می توان سازه های مختلف را جابه جا کرد. قلب نحوی حرکتی اختیاری است و از این لحاظ با حرکت های نحوی دیگر در تقابل است و با توجه به این که قلب نحوی در اکثر اوقات تغییری در معنای تحلیلی جمله ایجاد نمی کند نمی تواند دلیل معنایی برای انجام داشته باشد. در آثار فراوانی که درباره قلب نحوی نگاشته شده به این موضوع اشاره شده که قلب نحوی با عوامل کلامی در ارتباط است. حتی در آثاری که فقط به

¹ scrambling

ویژگی های نحوی قلب نحوی پرداخته اند(میاگاو ۱۹۹۷،۲۰۰۰، سایتو و فوکوی ۱۹۹۸) در نهایت به وجود رابطه ای قطعی میان این حرکت و عوامل کلامی اشاره شده است.

در زیر نمونه های از فرایند قلب نحوی نقل می شود:

۱. الف. اسم مغازه^۲ بود سال های ۱۹۲۰. (لیوان دسته دار. ص ۱۱)

ب. اسم مغازه سال های ۱۹۲۰ بود.

۲. الف-به عکسی در قابی قدیمی نگاه کرد. توی عکس پسرکی جدی و عبوس کنار زنی جوان ایستاده بود. پسرک لب ورچیده و اخمو[#] زل زده بود به عدسی دوربین. (لیوان دسته دار. ص ۱۲)

ب. -به عکسی در قابی قدیمی نگاه کرد. توی عکس پسرکی جدی و عبوس کنار زنی جوان ایستاده بود. پسرک لب ورچیده و اخمو به عدسی دوربین زل زده بود.

۱-۲-۲ وارونگی^۳

در انگلیسی وارونگی به ویژگی اشاره دارد که در آن فاعل منطقی حرکت کرده و در جایگاه پسا فعلی قرار گیرد و هر سازه ای که بطور معمول جایگاه پسا فعلی دارد پیشایند شده و قبل از فعل واقع شود. ماهوتیان و بیرنر(۱۹۹۶) حرکت گروه حرف اضافه به ابتدای جمله را در

^۲ این علامت نشانه ی جایگاه اصلی سازه می باشد

^۳ inversion

زبان فارسی اگر چه شباهت صوری به مبتدا سازی در انگلیسی دارد وارونگی می نامند. تعریف ماهوتیان و بیرنر از وارونگی مبنای این پژوهش قرار گرفته است.

۱. الف. - دستکش را سر جایش گذاشت و به عکسی در قابی قدیمی نگاه کرد. توی عکس

پسرکی جدی و عبوس کنار زنی جوان # ایستاده بود. (لیوان دسته دار. ص ۱۲)

ب. - دستکش را سر جایش گذاشت و به عکسی در قابی قدیمی نگاه کرد. پسرکی جدی

و عبوس کنار زنی جوان توی عکس ایستاده بود. (لیوان دسته دار. ص ۱۲)

۱-۲-۳ اطلاع کهنه/اطلاع نو:

چیف (۱۹۷۶) اطلاع کهنه را آن دانشی می داند که گوینده فرض می کند که در خود آگاه شنونده در زمان بیان پاره گفتار حاضر است. او همچنین اطلاع نو را آن چیزی می داند که گوینده فرض می کند که با بیان آن اطلاع جدیدی را به خودآگاه شنونده وارد کرده است. پرنس برای بیان اطلاع کهنه اصطلاحاتی مانند ۱. قابل پیش بینی بودن ۲. دانش مشترک^۴ یا فرض آشنایی را به کار می گیرد. پرنس (۱۹۹۲) سه رویکرد را برای بررسی اطلاع کهنه در گفتمان در نظر می گیرد او آنها را به تاکید/پیش فرض، شنونده - کهنه/شنونده-نو و گفتمان کهنه/گفتمان نو تقسیم می کند.

⁴ Shared knowledge

مثال الف - زن توی مغازه راه افتاد و به اطراف نگاه کرد. صندلی های قدیمی ، میزهای آرایش آینه دار و گنجه های بزرگ و سنگین کنده کاری شده پهلو به پهلو ایستاده بودند. برچسب کوچکی # روی هر کدام بود با قیمت و سال ساختشان. (لیوان دسته دار. ص ۱۱)

تحلیل: عنصر قلب شده قبلا در گفتمان ذکر نشده است ولی چون روایت در فروشگاههای اتفاق می افتد این اطلاع قابل برانگیختن از متن است و از نظر وضعیت اطلاعی (شنونده-کهنه، کلام-کهنه) محسوب می شود.

مثال: ب. زن # ننگشت کشید به گل های قرمز و ریز روی لیوان. (لیوان دسته دار. ص ۱۳)

تحلیل: از ابتدای داستان به مادر و کودک اش اشاره می شود وقتی از لیوان گل دار صحبت می شود بر اساس پیش فرض های مان آن را متعلق به کودک می دانیم پس وضعیت اطلاعی (شنونده - کهنه، گفتمان - نو) است.

۱-۲-۴ تاکید/پیش فرض

اگر چه اصطلاح تاکید معانی متفاوتی برای افراد مختلف دارد، در این رساله منظور نگارنده از تاکید آن قسمتی از پاره گفتار است که اطلاع نو را ارائه می دهد. آن قسمتی از پاره گفتار که دانش شنونده را تحکیم بخشیده و یا به روز می کند (ولدوی ۱۹۹۲).

مثال: الف. اسم مغازه # بود سال های ۱۹۲۰. (لیوان دسته دار. ص ۱۱)

تحلیل: این جمله، جمله ابتدایی داستان می باشد و وضعیت اطلاعی آن (شنونده-نو، کلام-نو) است.

۳-۱ معرفی پژوهش

هدف از این پژوهش شناسایی محدودیتهای نقشی حاکم بر فرایندهای قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی است. در دهه های اخیر توجه زیادی به نقش گفتمانی صورت های نحوی شده است. اینکه چرا یک گویشور از بین چندین صورت نحوی یکی را برای بیان گزاره ی مورد نظر خود انتخاب می کند و اینکه شنونده چه استنتاجی از شنیدن گزاره مذکور می کند. این موضوع نه تنها برای کسانی که به کاربردشناسی/گفتمان علاقه مند اند بلکه برای آنان که حوزه مطالعه آنها منحصرأ به نحو محدود می شود نیز جذاب است. هسته اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین نحو و کارکردهای گفتمانی است. هدف از این پژوهش شناخت محدودیتهای نقشی است که بر حرکت قلب نحوی و وارونگی در زبان فارسی تاثیر می گذارد و اینکه آیا باید مرزی بین این دو فرایند قائل شد یا نه؟

۴-۱ سوابق مربوط

اصطلاح قلب نحوی در واقع به فرایندی اطلاق می شود که موجب تغییر آرایش واژگانی جمله در زبان هایی مانند ژاپنی، آلمانی، هندی، فارسی و بسیاری از زبان های طبیعی دنیا می شود و آرایش واژگانی نشاننداری را برای جملات مختلف پدید می آورد. در چارچوب دستور زایشی، از زمانی که راس (۱۹۶۷) برای اولین بار در رساله خود از واژه قلب نحوی استفاده کرد